

۶ - معالجه مغناطیسی و روحانی

از حضرت عبدالههء است قوله العزیز : اگر دو جسم تماس بهم کند لابد بر این است که اجزاء میکروب از یکی به دیگری انتقال کند و همینطور که مرض از جسدی بجسد دیگر انتقال و سرایت سریع و شدید می نماید شاید صحت شدیده شخص صحیح نیز سبب تخفیف مرض بسیار ضعیف مریض گردد اما قسم دیگر قوه مغناطیس است میشود که شخصی دستی روی سر کسی بگذارد و یا آنکه روی دل مریض شاید شخص مریض فائده حاصل نماید چرا که تأثیر مغناطیس و تأثیرات نفسانی مریض سبب شود و مرض زائل گردد این تأثیر نیز بسیار ضعیف و خفیف است اما دو قسم دیگر که روحانی است یعنی واسطه شفا قوه روحانی است این است که شخص صحیحی شخص مریضی را بتمامه توجه کند و شخص مریض هم در نهایت قوه در انتظار باشد که از قوه روحانی این شخص صحیح از برای من صحت حاصل خواهد شد و اعتقاد تام داشته باشد بقسمی که میانه آن شخص صحیح و میانه شخص مریض قلباً یک ارتباط تام پیدا گردد و آن شخص صحیح تمام همت را در شفای مریض بگمارد شخص مریض نیز یقین بحصول شفا داشته باشد از تأثیر و تأثیرات نفسانی در عصب هیجانی حاصل شود و آن تأثیر و هیجان عصب سبب گردد و مریض شفا یابد مثلش این است که شخص مریض را چیزی نهایت آمال و آرزو باشد بگفته بشارت حصول آن را باو بدهند شاید در عصبش هیجانی حاصل شد و از آن هیجان مرض بکلی رفع گردد و همچنین چون امر پر وحشتی فجأة رخ بدهد شاید در عصب شخص صحیح هیجانی حاصل گردد و از آن فوراً مرض حاصل شود و سبب آن مرض شیئی مادی نبوده ... از ارتباط کامل در میان شخص طبیب روحانی و شخص مریض بقسمی که آن شخص طبیب توجه تام نماید و شخص مریض نیز جمیع توجه خویش را حصر در شخص طبیب روحانی کند و منتظر حصول صحت گردد همین ارتباط سبب هیجان عصب شود و از هیجان عصب صحت پیدا گردد اما اینها همه بیک درجه تأثیر دارد نه دائماً . . . یعنی این وسائط در مرضهای شدید حکمی ندارد مگر بنیه معاونت کند چرا بنیه قویه خیلی وقتها مرض را دفع کند این قسم سیّم بود و اما قسم چهارم آن است که بقوه روح القدس شفا حاصل گردد و آن نه مشروط به تماس است و نه مشروط به نظر حتی و نه مشروط بحضور بهیچ شرطی مشروط نیست .